

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۳۱ فروردین برابر ۲۰ آو ریل ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریل - سال اول - شماره ۳

انتخابات یا

تثبیت حامیان غارت زحمتکشان

بالاخره انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی در روز یکشنبه ۲۶ فروردین برگزار شد. ناظرانی که این سطو رنگاشته می شد، نتیجه قطعی انتخابات اعلام نشد. بود، اما نینم نگاهی به جو عمومی کشور "مبارزه انتخاباتی" کاندیداهای هفت بار آب کشیده شده رژیم در روزهای پیش از انتخابات نیز نشان می دهد که نتیجه این صحنه سازی، حتی در میان این کاندیداها، چیزی جز تحمیل لیستهای کم و بیش توافق شده توسط حکام جمهوری اسلامی نیست.

گردانندگان انتخابات، حدود ۱۰ روز را برای "مبارزه انتخاباتی" کاندیداها تعیین کردند. در این ۱۰ روز، آنچه مطرح نشد، برنامه انتخاباتی کاندیداها بود. روزنامه های وابسته به حکومت در این ۱۰ روز، صفحات خود را به چاپ لیستهای بلند بالای نهادهای قدرت، از قبیل حزب جمهوری اسلامی، روحانیت مبارز تهران، بازارو... اختصاص دادند. درحالیکه قبلا سران حکومت به دنبال عدم موفقیت این نهادهای قدرت در ارائه لیست واحد، به مردم توصیه کرده بودند که احتیاجی نیست به لیستها را بدهند، بلکه باصلا حدیخود می توانستند.

بقیه در صفحه ۲

رهبران جمهوری اسلامی در تدارك ماجراجویی جدید نظامی

یک میلیون تن از افراد مسلح ایرانی آماد محمله به اهدافی هستند که عملیات "خیبر" از دستیابی و فتح آنها عاجز ماند. رئیس جمهور و رئیس شورای عالی دفاع در بیان بقیه در صفحه ۹

باشکست عملیات "والفجر ۵"، "والفجر ۶" و خیبر، رهبران جمهوری اسلامی تدارك لشکرکشی جدیدی را می بینند تا به یک ماجراجویی نظامی جدید با اهداف مداخله گرانه جامعه عمل بپوشانند. منابع غربی گزارش داده اند که

سلاح شیمیایی: بهانه ای برای تشدید شوروی ستیزی و نزدیکی به امپریالیسم ازسوی حکام جمهوری اسلامی

مساله برای تشدید شوروی ستیزی و نیز تسریع روند نزدیکی به امپریالیسم.

بلافاصله پس از اعلان بمباران شیمیایی نیروهای ایران، منابع حکومتی ایران از انگلستان، ایتالیا و آلمان فدرال به عنوان کشورهای احتمالی صادرکننده گاز شیمیایی به عراق نام بردند. حتی روزنامه های غربی نوشتند که عراق امتیاز تولید سموم مزبور را از کارخانه های

بقیه در صفحه ۶

در جریان تعرض نیروهای ایران به خاک عراق تحت عنوان "عملیات خیبر"، استفاده رژیم جنایتکار عراق از بمبهای شیمیایی مطرح شد. این موضوع بلافاصله به دستور اک تبلیغاتی مناسبی برای حکومت ایران تبدیل گشت تا ناکامی تعرض نظامی اخیر را توجیه کند. اخیرا دو وجه دیگر نیز به تبلیغات حکومت ایران پیرامون استفاده عراق از سلاح شیمیایی اضافه شده است: بهانه قراردادان این

پیرامون مصاحبه رئیس مجلس با تلویزیون امریکا

بطور عیان و آشکار از آمریکا ظاهرا بخاطر موضع و زارت خارجه آن کشور درباره استفاده عراق از سلاح شیمیایی در درگیریهای اخیر جبهه های جنگ، تمجید کرده، به سؤال

بقیه در صفحه ۵

اخیرا هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی مصاحبه ای با شبکه تلویزیونی "ای. بی. سی" آمریکا داشته است که نگاهی به آن خالی از فایده نیست. آقای رفسنجانی که در همین مصاحبه

چگونه عفریت جنگ شیره جان کارگران زحمتکش را میمکد

در صفحه ۴

نیروهای آزادیبخش السالوادور
به پیش می روند

در صفحه ۱۰

حسادت امریکا و عقل زابن!

در صفحه ۵

خودسری ویی قانونی:
تنها قانون حاکم بر قوه قضائیه ج.ا.

در صفحه ۲

اعتراض کارگران پارس الکتریک

در صفحه ۶

بمناسبت صد و چهاردهمین سالگرد تولد لنین

آموزشهای سترگ لنین
چراغ راهنمای بشریت

در صفحه ۷

متحد شویم! علیه کشتار و اختناق در ایران بپا خیزیم!

انتخابات

یا
تثبيت حامیان غارت زحمتکشان

بقیه از صفحه اول

تک تک منتخبین خود را برگزینند، در روزهای آخر قبل از انتخابات، این توصیه حاجای خود را بمتجدد و تاکید بر نقش "خبرگان" در معرفی کاندیداها داد. حتی در حالیکه ظاهراً تاکید شده بود امکانات دولتی و تربیون‌های نه‌ان جمعه مورد استفاده انتخاباتی قرار نخواهند گرفت، مهد و یکنی دبیرکل جامعه روحانیت مبارز تهران در نماز جمعه ۱۷ فروردین رسماً از سوی این جامعه سخن گفت و بعد هم مدعی شد: "ما نظرات خود را نمی‌خواهیم بر مردم تحمیل کنیم." (کیهان ۱۸ فروردین)

حتی از مصاحبه ۲۳ فروردین امام‌سی کاشانی عضو فقهای شورای نگهبان و رئیس هیات نظارت بر انتخابات باصداقی جمهوری اسلامی نیز می‌توان فهمید که "برنده" این باصطلاح مبارزه انتخاباتی کسانی بودند که پول و زور کافی در اختیار داشتند تا بتوانند دستجاتی از او باش‌راه راه بیندازند و پسا کارهایی از قبیل پاره کردن پوسترها و برهم زدن سخنرانی‌های کاندیداها، منفرد و ... و نیز مانند چاپ پوستر و ستر و اعلامیه با تیراهای نجومی، ضعیف‌ترها را از صحنه بیرون کنند.

این در حالی بود که "واجدین شرایط" از "صافی" پنج مرجع و نیز شورای نگهبان گذشته بودند. در تهران که ۲۴۳ نفر داوطلب نمایندگی شده بودند، تنها نام ۱۵۹ نفر به‌عنوان نامزد های انتخاباتی اعلام شد. به عبارت دیگر بیش از ۳۰ درصد اسامی خط خورده بود. نام تعدادی از نمایندگان مجلس دوره اول که با برخی از جنبه‌های سیاست حاکم مخالفت می‌کردند دیگر در میان کاندیداها نیست. در مقابل، چهره‌های "نورانی" بازنظر ۶ نفری که چند ماه پیش با آیت‌الله خمینی دیدار کردند و ماموریت گرفتند تا مجلس را با بازاری‌ها و طرفدارانشان پر کنند (سگرا و لادی، مدلمان، شفیق، سعیدامانی، رخ‌صفت، لبانی و ابو الفضل حیدری) و نیز احمد توکلی، چهره آبرو باخته، در فهرست نامزد های انتخاباتی تهران دیده می‌شدند.

دری عدم موفقیت در ارائه لیست واحد انتخاباتی از طرف نهاد های مختلف قدرت در جمهوری اسلامی و بدنبال آن سخنان آیت الله خمینی درباره منع معرفی کاندیدا برای حوزه های دیگر انتخاباتی، "اتلاف بزرگ" میان نهاد های راستگرای پرنفوذ، حزب جمهوری اسلامی، روحانیت مبارز تهران، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و دیگران اعلام نشد، اما عملاً لیستهای اعلام شده نشان می‌داد که بنسب و بست‌های لازم انجام گرفته است. در تهران، حزب

خودسری و بی قانونی:
تنها قانون حاکم بر قوه قضائیه

اقدام "قانون" به مجلس برد و بار و پ-آز آن هم مضحک تر - رئیس دادگاه شرع ارتش، "انحلال" یک سازمان سیاسی را اعلام نمود. شورای عالی قضایی در اسفند ۶۲ دستور اعدام ۱۰ تن از شریف‌ترین فرزندان خلق، اعضای حزب توده ایران را صادر کرد. مرتضی مقتدایی در مصاحبه نامبرده خود گفته است: " (در جلسات ششورا) ... دستور العمل های ارشادی جهت وحدت رویه دادگاهها و دادسراهای انقلاب و دادگستری تهیه و تنظیم می‌شد. " (همانجا)

یکی از این "دستور العمل های ارشادی" دستور العمل محاکمه و محکومیت اعضا "هواداران حزب توده ایران در شهرستانها بود که هیچ "گناهی جز فعالیت سیاسی برای دفاع از انقلاب و حقوق مردم نداشتند."

"شکایات ارسالی" که به گفته مقتدایی به آنها رسیدگی شده، چیزی نبوده جز شکایات بزرگ مالکین از دهقانان، شکایات "مستکبرین" از مستضعفین، شکایات کارگران و دهقانان و مردم زحمتکش در قوه قضائیه جمهوری اسلامی راه به جایی نمی‌برد. اگر حکمی اجرا شده، حکم سرگرفتن زمین از دهقانان، حکم برگرداندن کارخانه به سرمایه دار، حکم محکومیت زحمتکش بوده است.

مرتضی مقتدایی در مصاحبه ۲۳ فروردین

خود باصداقی جمهوری اسلامی درباره علت عدم اجرای اصل سی و پنجم قانون اساسی که می‌گوید "در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد" گفته است:

با پایان یافتن سناریوی انتخابات، اینک انتظاری رود "مجلس تجار" باند وین و تکمیل قوانین ارتجاعی و ضد مردمی "کار" خود را آغاز کنند.

این روزها مقامات قضایی جمهوری اسلامی راجع به "دستاوردهای قوه قضائیه" و "پیشرفتهای آن زیلد سخن می‌گویند." مرتضی مقتدایی عضو و سخنگوی شورای عالی قضایی، در اولین مصاحبه مطبوعاتی خود در سال جدید، در رابطه با اقدامات شورای عالی قضایی در سال گذشته اظهار داشت:

"در سال ۶۲ قوه قضائیه ۱۰۰ اقدامات شایسته ای انجام داد. اعزام نیرو به جبهه‌ها برای تشویق و تبلیغ رزمندگان و نبرد با صدامیان و ارسال کمکهای مالی نمونه ای از آنهاست." (کیهان ۱۸ فروردین)

البته از این "اقدامات شایسته" که بگذریم - زیرا این اقدامات بیشتر به دایره "سیاسی - عقیدتی" نیروهای مسلح و یا ستاد پشتیبانی جبهه‌ها مربوط می‌شوند تا قوه قضائیه - حاکم کردن خودسری و بی - قانونی بعنوان تنها قانون حاکم بر قوه قضائیه جمهوری اسلامی در اس "اقدامات شایسته" شورای عالی قضایی قرار دارد. در سال ۶۲ وحشی‌گریهای "حکومت اوین" تبدیل به مشی غالب دستگاه قضایی جمهوری اسلامی شد و شورای عالی قضایی هم بر آن صحنه گذارد. ترتیب دادن محاکمه فرمایشی افسران میهن پرست جالب‌ترین "شاه کار" شورای عالی قضایی بود. محاکمه ای که معلوم نبود بر اساس کدام قانون و کدام آیین قضاوت صورت می‌گیرد. محاکمه ای که در آن، دادستان و قاضی جای خود را با هم عوض می‌کردند، و متهم، از ابتدایی ترین حقوق محروم بود. در سال ۶۲ کار قوه قضائیه جمهوری اسلامی به جایی کشید که دادستانش، بایک اعلامیه، قدیمی ترین حزب سیاسی ایران، حزب تنوده ایران را "منحل" اعلام کرد (شاه برای این

حاکم و "جامعه روحانیت مبارز" ۲۵ کاندیدا از ۳۰ کاندیدا را بطور مشترک اعلام کردند. در قم، جامعه مدرسین و منتخبین مجلس خبرگان اعلام نمودند که به آذری قی دبیر جامعه مدرسین رای خواهند داد. در سایر شهرستانها نیز دفاتر حزب جمهوری اسلامی و بازار بهشتیان و حامیان شان، عملاً صحنه "مبارزه انتخاباتی" را پر کردند.

با در نظر گرفتن چنین جوی، با تاکید می‌توان گفت که نتیجه انتخابات چیزی جز تحکیم قدرت هواداران غارت لجام گسیخته زحمتکشان در جمهوری اسلامی نخواهد بود. و قایم‌روهای قبل از انتخابات صحت پیش‌بینی

اخبار گویا

— جمهوری اسلامی در ماه ژوئن —
۱۹۸۱ به يك دلال اسلحه ساکن فرانسه ۵۶
میلیون دلار پول برای مهمات زیر پرداخت
کرده است:

۲۰ هزار موشک انداز، ۶۰ هزار خمپاره،
۵۰ میلیون فشنگ، ۶۰۰۰ دستگاه ضد هوایی
و ۱۰۰ هزار گلوله دستگاه ضد هوایی. این
محموله هیچگاه به ایران تحویل نگردید.
(روزنامه دی تسایت، چاپ آلمان فدرال،
۹ مارس ۸۴)

— قطعات الکترونیک و لاستیک‌های
هواییهای فانتوم ایران از سوی اسرائیل
تامین می‌گردد.

— اطریش‌بهرد و طرف جنگ س—لاح
می‌فروشد.

— براساس قرارداد های سال ۱۹۷۳ و
۱۹۷۷، ایران معادل ۶۶ میلیون دلار
کامیونهای نظامی، تانک و واگن های نظامی
از آلمان غربی خریداری کرده است.

— تفنگ های ژ—۳ بر مبنای امتیاز و
اجازه کارخانه Herklar & Koch در ایران
تولید می‌شوند.
(همانجا)

خودسری...

بقیه از صفحه ۲

"در حال حاضر نیز در برخی از محاکم
وکلای طرفین دعوا حاضر می‌شوند و از حقوق
موکلین خود دفاع می‌نمایند. ولی متأسفانه
تشکیلات کانون وکلا که می‌بایست متطابق بر
موازين اسلامی تنظیم شود هنوز تنظیم نشده"
نخست خود و کانون وکلا را به این بهانه
که "اسلامی نیست" تعطیل می‌کنند و سپس
به بهانه اینکه "کانون وکلاندریم" افراد را از
حقی که کانون اساسی به رسمیت شناخته محروم
می‌سازند!

این است "ارکان حکومت قضا" که
رئیس دیوانعالی کشور می‌گوید باید در کشور
حاکم شود: بی‌قانونی، خودسری، صدور
احکام جنایتکارانه برای آزادیخواهان و میهن—
پرستان و بالاخره کمر همت بستن به پاسداری
از منافع سرمایه داران و مالکین بزرگ.

روستائیان زحمتکش به کمبود امکانات رفاهی و عمرانی معترضند

راه روستا دورتر گردیده که برای ماروستائیان
که فاقد وسیله نقلیه می‌باشیم بسیار مشکل
خواهد بود."

وضع بهداشتی و درمانی روستا طوری
است که "درمانگاه کوچک روستا که بهیچوجه
تکافوی ویست و توابع رانمی دهد در هفت—سه
سه الی چهارروز دارای یک پزشک می‌باشد."
همچنین، "از طرف دیگر تنها جاده ای که
ارتباط ویست و دهات تابعه را به شهرهای
گلپایگان و خوانسار مرتبط می‌سازد فاقد اسفالت
است، لیکن اقدامی در این زمینه نیز بعمل
نیامده."

اهالی روستای حصاراولیا می‌نویسند:
"روستای حصاراولیا، ورامین که دارای ۵۰۰
خروار زمین قابل کشت می‌باشد با کمبود آب
مواجه می‌باشد و در حال نابودی است. مسئولین
به فکر آب این روستا باشند و آب این روستا را
تامین نمایند. این روستا می‌تواند نان خود
و ورامین را تامین نماید. هم اکنون حتی برای
تهیه آب خوردن باید به روستایی دیگر بروند و
تمام روستائیان به تهران یا ورامین مهاجرت
می‌کنند."

و بالاخره نمونه ای از "سرد و انـدان"
روستائیان از سوی ادارات دولتی:
"قریه خرابه کهل واقع در ۳ کیلومتری
شهرستان اردبیل که در ۸۰۰ متری جلاده
اردبیل تبریز واقع گردیده است متأسفانه تاکنون
از سوی مسئولین برق رسانی نسبت به وصل برق
اقدامی نگردیده است. در این مورد ابتدا به
نیروی برق شهرستان اردبیل مراجعه کردیم و
آنها ما را به تبریز پارس نمودند، به تبریز مراجعه
نمودیم و آنها نیز برای آنکه ما را به بوته فراموشی
بگذارند گفتند دو سال دیگر مراجعه کنید.
در خاتمه نیز گفتند برای ۳۰ خانوار برق
نمی‌توان داد. ما اهالی بعلت نبودن برق
باهزاران مشکلات مواجه هستیم."

در مقابل تمام این شکایات و اعتراضات،
سران حکومت چیزی ندارند بگویند جز اینکه
روستائیان به شهرها نیند، در روستاها
بمانند و سختیها را تحمل کنند. آنها حاضر
نیستند به خواسته های اساسی زحمتکشان
روستا جامه عمل بپوشانند.

و رشکستگی اقتصاد کشاورزی کشور که
شماره سیاستهای خانه خراب کن حکومت جمهوری
اسلامی است، پیش از هر چیز ریشه در ادا—سه
حیات ننگین بزرگ مالکی، وضع فلاکت بار زندگی
روستائیان و گسترش فقر و محرومیت و کمبود
امکانات رفاهی و عمرانی در روستاها دارد. بسا
این حال، حکومت جمهوری اسلامی، برای
حل "این مشکل باز هم روستائیان زحمتکش
را از زبان رئیس جمهور سخا—ه ای خطاب قرار
داده و می‌گوید:

"کشاورزان و روستائیان و کسانی که
بکار کشاورزی مشغولند نیز اسامال ارسال
تحرک کشاورزی قرار دهند تا اولین قدمها را
در راه خود کفایی مواد غذایی که مهمترین
اقدام خود کفایی است، برداریم." (اطلاعات
۶ فروردین)

اما مردم روستاها که تا بحال در راه انقلاب
و برای شکوفایی کشاورزی کشور متحمل سختیها
و رنجهای زیادی شده اند، بیش از این حاضر
نیستند "داوطلبانه" شرایط مشقت بار حاکم
بر روستاها را تحمل کنند. آنها به اشکال
گونگون به بازگشت ملاکین، عدم رسیدگی
حکومت به وضع رفاهی و عمرانی روستاها و...
اعتراض می‌کنند. روزنامه کیهان در شماره ۱۴
فروردین خود نامه های روستائیان را که در آن
گوشه ای از مصایب خود را منعکس ساخته اند،
به چاپ رسانده است.

یکی از اهالی روستایی در غرب قزوین
می‌نویسد: "ما کشاورزان و دامداران قریب
نیرنج واقع در غرب قزوین مدتهاست تقاضای
برق رسانی به روستای خود را نموده ایم اما تا
کنون اقدامی از سوی مسئولین در این رابطه
انجام نشده است."

از ویست "خوانسار نامه ای درج
شده که طبق آن، "علیرغم خواسته های مکرر
رابطه با تبدیل از روستا به بخش به منظور
برخورداری از رفاه بیشتر، متأسفانه تاکنون اقدام
مثبتی انجام نگرفته." در ادامه آمده است:
"روستای مذکور قبلاً جز شهرستان گلپایگان
بوده و از چندی قبل جز و تابع شهرستان
خوانسار شده که تنها از نظر مسیر با توجه به
کمبود وسایط نقلیه عمومی حدود ۱۸ کیلومتر

املاک بزرگ مالکان باید بین دهقانان تقسیم شود

چگونه عفریت جنگ شیره جان کارگران زحمتکش را میمکد

است و من از جامعه کارگران می خواهم کتعام همت و توجه خود را کماکان معطوف به جنگ کنند. و زیرکارچ ۱۰۰ از کارفرمایان می خواهد تا با اعزام کارگران به جبهه تنور جنگ را گرم نگه دارند: "الان خیل عظیمی از کارگران ۱۰۰۰ مادر جبهه های جنگ هستند و امید داریم این شرکت و هجوم به جبهه های جنگ از ناحیه کارگری ما هرچه بیشتر شود تر شود و مدیران ما موظف هستند که این تنور جنگ را گرم و گرمتر نگه دارند." (کیهان ۲۸ اسفند)

"گرم نگه داشتن کوره جنگ" تاکنون به بهای جان هزاران کارگر زحمتکش تمام شده است. از کارخانه نسبتا کوچک ناهید اصفهان تاکنون ۷ نفر، کارخانه جهان چیت ۲۲ نفر و از کارخانه ذوب آهن اصفهان تا تیر ۶۲، ۱۲۰ نفر قربانی جنون جنگ ارتجاعی ایران شده اند. شعله های جنگ افروزی جمهوری اسلامی تنها به کارگرانی که وجود سازنده آنها در جبهه های جنگ به خاک می افتند و پایه خاکسترس تبدیل می شوند، بسنده نمی کند، بلکه اگر کارگری احیانا از گلوله های سرین و تکه های موشک و یابمبهای شیمیایی جان سالم بدر ببرد، در کارخانه برگ اخراجی او صادر شده است. و از اینکه باتن مجروح و یا جسمی علیل نمی تواند معاش خانواده اش را تامین کند به انواع و اقسام ناراحتی روحی، فشارهای عصبی و بیماری های روانی مبتلا می گردد و این وعده ها و نصیحت های حکام جمهوری اسلامی مانند هزاران وعده دیگر آنان به تاریخ می پیوندند تا رو سیاهی و رو یگردانی آنان از توده ها راقم زنند.

"هیچ مدیری حق ندارد کارگری را به جرم رفتن به جبهه اخراج کند." (هاشمی و زیر صناع - کیهان ۸ دی ۶۲)
"ادارات کارموظف به جانبداری از کارگرانی هستند که برای مدتی به جبهه ها می روند و نباید این کارگران بهیچوجه نگران از دست دادن کار خودشان باشند." (کمال گنجه ای قائم مقام وزارت کار - کیهان ۶ آذر ۶۲)

در این میان - علاوه بر یک سوم کل بودجه کشور که صرف جنگ می شود و هیأت بقیه در صفحه ۵

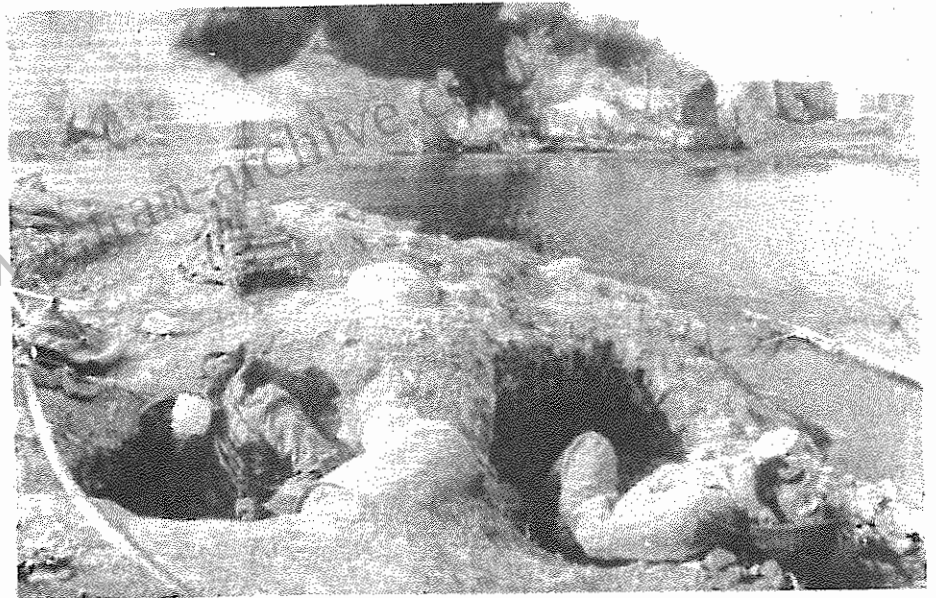
کارگران بد رستی ادامه جنگ و تازاندن جوانان و نوجوانان بر روی مین هادرخاک عراق را مغایر با مصالح کشور و منافع طبقاتی خود می دانند و از شرکت در آن خودداری می کنند.

رژیم ج ۱۰ اکنون به صراحت برای واداشتن کارگران به شرکت در جنگ بهارگانهای سرکوبگر حکومتی متوسل شده است. فرمانده سپاه پاسداران منطقه ۱۰ می گوید: "تاکنون ۴۵ کارخانه بسیج شده و حدود ۲۰ هزار نفر از کارگران به جبهه های جنگ اعزام شده اند." (کیهان ۳۰ شهریور ۶۲)

رئیس جمهور از اعتقادات مذهبی

در حکومت جمهوری اسلامی تنها تازیانه های قوانین ارتجاعی کار، انحلال تشکل های کارگری، نداشتن امنیت شغلی، کمبود دستمزد، گرانی و سوانح صنعتی نیستند که بر پیکر رنج دیده کارگران فرو می آیند، بلکه اژدهای آذمخوار جنگ نیز جان و مال آنها را می بلعد.

رهبران جمهوری اسلامی با استخوانهای زحمتکشان "تنور جنگی" را گرم نگه میدارند که جبهه های آنها با امیال جنگ طلبانه و اهداف مداخله گرانه در آنسوی مرزهای ایران گشوده اند.



کارگران سوء استفاده می کند و می گوید: "معجزه الهی به سراغ آن کارگری خواهد آمد که برای کار و تلاش فداکاری می کند. معجزه الهی به سراغ رزمنده ای می آید که در میدان جنگ همه نیرو و وجود خود را ایثار گرانه فدا می کند، اگر این ۱۰۰۰ نباشد مطمئنا معجزه هم به سراغ انسان نخواهد آمد."

وزیر کار چند هفته پس از انتشار "لایحه جدید قانون کار" خطاب به کارگران و رزشکار می گوید: "مسابقه اصلی مادر جبهه جنگ

کارگران که در آغاز جنگ شرکت در آن را وظیفه انقلابی خویش می دانستند در جبهه های به وسعت ایران بسیج و تجهیز شده و با اتکاء به آگاهی سیاسی، شم طبقاتی، ایثار انقلابی، قوه ابتکار خلاقه شان در کارزار عظیم میهن برای دفاع از استقلال، آزادی و استقرار صلح شرکت جستند، اما اکنون که مدت ها است تجاوز ارتش صدام دفع، و با ایستادگی های قهرمانانه مردم ما رژیم صدام مجبور به جبهه جانبداری از آتش بس و برقراری صلح شده است،

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

حسادت امریکا و عقل ژاپن!

سرمقاله روز ۱۴ فروردین روزنامه صبح آزادگان باتیتر "غرب، سیاست و تجارت" به بررسی روانکاوانه روابط امپریالیسم و ایران اختصاص یافته است. این مقاله با امضای "والسلام ک. گ." که شاید کمال گنجه‌ای معاون وزیر کار باشد به چاپ رسیده است.

در این مقاله امپریالیست‌ها بر روی نیم تخت‌های فرویدی "گذاشته شده‌اند و ظاهراً فقط ژاپن موفق گشته عاقل بودن خود را به تحلیل گر صبح آزادگان ثابت کند."

آقای و السلام ک. گ. با آوردن این مقدمه: "جمهوری اسلامی بخاطر اینکه اقتصاد ایران از تسلط یک بلوک خارج شود، مناسب تهیه کالا از خارج را متنوع کرد و الویت را به کشورهای اسلامی و غیرمتعهده داد." به کاوش "حسادت"، "بی توجهی" و "عصبانیت" امپریالیست‌های پردازد.

"و وقتی که ایران اسلامی چنین تصمیم گرفت، غرب بسیار عصبانی شد و تا توانست برای ایران مشکل ایجاد کرد ۰۰۰ اکنون ۰۰۰ تجارت آمریکا را مرتباً می‌کوشند تا به ایران کالا صادر کنند و حتی حاضرند کالاها را در کشورهای دیگر معامله کرده و با مارک غیرآمریکایی به ایران بفروشند و شرایط بسیار سهلی را پیشنهاد می‌کنند، اما نه فقط دولت جمهوری اسلامی ایران و مسئولین موسسات وابسته به دولت، که بخش خصوصی ایران هم حاضر به قبول کالای آمریکایی نیست و آمریکا پشیمان از حماقتی که مرتکب شده، ملایم است و هر پیشنهادی از جانب ایران را سریعاً "اجرا کند" (۱) آمریکا که تحریم جمهوری اسلامی علیه خود را جدی یافت کوشید تا از کسب سود توسط رقبای نیز مانع بعمل آورد ۰۰۰ آمریکا مشاهده کرد که فرانسه بخاطر بقیه در صفحه ۹.

بقیه از صفحه ۴

چگونه عفريت جنگ...

حاکمه وعده داده بود آنرا برای رفاه "مستضعفین" خرج خواهد کرد - رژیم جنگ را مانند زالو به جان کارگران انداخته است تا از خون آنها ارتزاق کند، عوامل حکومت در کارخانه‌ها با عوامفریبی، تهدید و ارباب کارگران را در کم دستمزدها حتی حداقل معاش را تامین نمی‌کنند. سرکشی می‌کنند. جدول زیر نمونه کوچکی را از جمع‌آوری پول که اکثر بصورت برداشت مستقیم از حقوق کارگران است، فقط در چند کارخانه نشان می‌دهد:

"نمودار بالغ جمع‌آوری شده از کارگران چند کارخانه برای تامین هزینه جنگ"

اسم کارخانه	مبلغ به ریال	تاریخ
از کارگران شرکت صنعتی جنرال	۱۲۲۳۳۶۸	بهمن ۶۲
" " کارخانه آزمایش	۱۳۰۰۰۰۰	" "
" " شرکت صنعتی آما	۶۵۱۲۶۰۸	دی ماه ۶۲
" " شرکت زامیاد	۱۵۰۰۰۰۰	اسفند ۶۲
" " سازمان هواپیمایی کشوری	۲۰۰۰۰۰۰	" "
" " معدن ذغال سنگ البرز	۱۲۷۵۸۸۵۱۲	تاتیر ۶۲
" " کارخانه سیمان فارس	۱۰۰۰۰۰۰۰	تا آذر ۶۲

جمهوری اسلامی در عراق گره زده و سرنوشت خود را با جنگ گره خورده می‌بیند. فقط بسیج توده‌ای، اتحاد و انسجام عمل نیروهای مترقی قادر است صلح را به میهنمان بازگرداند. تلاش برای صلح، گام زدن در راه زحمتکشان است. پیروزی از آن صلح و سازندگی، از آن مردم زحمتکش است.

رژیم در شرایطی دستمزدها را کارگران را نیز غارت می‌کند که از هرگونه مجاهدتی برای پرکردن کیسه کلان سرمایه داران کواهاهی نمی‌کند. رنج و تعب جنگ از آن کارگران و زحمتکشان، رفاه، آسایش و زراعت و زی برای بازار، اینست جان کلام سیاست‌های جنگ طلبانه جمهوری اسلامی.

پیرامون مصاحبه

رئیس مجلس با تلویزیون آمریکا

بقیه از صفحه اول
خبرنگار آمریکایی که "در حال حاضر نظرسنجی جمهوری اسلامی ایران در مورد آمریکا چیست؟" پاسخ داده است.

پاسخ آقای رفسنجانی تاحد زیادی گویای حقایق درباره موضع کنونی حکومت جمهوری اسلامی نسبت به "شیطان بزرگ" است.
رئیس مجلس پس از گلایه و شکایت دوستانه بابت فشارهایی که آمریکا به ایران وارد آورده، از جمله حمایت آن از تروریست‌های چپ و نیمه چپ، درباره رفتار آمریکا در دادگاه لاهه سخن راند و تلویحا اشاره کرده است که علیرغم عقب نشینی‌های ایران در دعوی مربوط به اموال ضبط شده ایران در آمریکا، دولت آمریکا فشار خود را بیشتر کرده و از جمهوری اسلامی امتیازات باز هم افزون تری می‌طلبد.
"در دادگاه لاهه آنجایی که ما بخاطر اینکه این تشنج‌ها را کم کنیم پذیرفتیم در دادگاه مرضی - الطرفین مسایل ما را با آمریکایی‌ها حل بکنیم آنها در آنجا دارند زور می‌گویند." (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۹ فروردین)

رفسنجانی سپس از دولت آمریکا در مورد موضع آن در قبال استفاده عراق از سلاح شیمیایی قدر دانی کرده برای آنکه به آمریکاییها بفهماند که هنوز حکومت ایران در موقعیتی نیست که بتواند همه "تشنج‌ها" را علنا و رسماً کنار بگذارد و بطور عیان به آغوش آمریکا بشتابد، می‌گوید: "آن ماهیت استعماری و استکباری و زورگویی آمریکا و توسعه طلبی که دارد یک مقدار کار را (کدام کار را؟) مشکل کرده است." (همان منبع)

رئیس مجلس در خاتمه با لحن التماس آمیزی خطاب به آمریکایی گوید: "اگر بنا باشد چیزی بهتر بشود آن کسی که سالها بد کرده است باید لااقل یک مدت خوب بکند تا بتواند اعتماد را جلب بکند."

و البته این اعمال "خوب"ی که آمریکا باید انجام دهد، چیزی نیست جز احیاء قرارداد ۲۰ میلیاردی شاه با آمریکا برای خرید اسلحه (که رفسنجانی چند ماه پیش خواهان آن شد) و تحویل اسلحه‌هایی که برای حکومت ایران "از نان شب واجب تر" است، و یا حمایت از ایران در جنگ با عراق. برای ترغیب آمریکا به انجام این "اعمال خوب" جمهوری اسلامی حاضر است بهای گزافی شامل وابستگی روز افزون اقتصادی به امپریالیست‌ها و در پیامد آن احیای وابستگی سیاسی، سرکوب‌خشن همه نیروهای ضد امپریالیست و مردمی، فروش نفت به بهای نازل و پرکردن جیب انحصارات تسلط‌یاتی و غیر تسلیحاتی و ۰۰۰ پردازد.

در نظر گرفتن این دو وجه از تبلیغات حکومتی ایران درباره کاربرد شیمیایی از سوی عراق، بخوبی روشن می سازد که این امر نیز به دستاویزی در راه پیشبرد اهداف ارتجاعی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی مبدل شده است. * از ک سو علیرغم تعارض خواهد بود و

بمناسبت صد و چهاردهمین سالگرد تولد لنین

آموزشهای سترگ لنین چراغ راهنمای بشریت

۲۲ آوریل (۲۲ اردیبهشت) صد و چهاردهمین سالگرد تولد لنین آموزگار رهبر کبیر زحمتکشان جهان است.

ولادیمیر ایلچ او لیانف (لنین) در ۲۲ آوریل ۱۸۷۰ در شهر سیمبیرسک (اولیانوسک کنونی) واقع در کنار رود ولگا پایه عرصه وجود گذاشت.

مبارزه علیه استبداد تزاری در خانواده لنین یک سنت انقلابی بود. هنگامی که لنین ۱۶ سال داشت، برادر بزرگ او به جرم سوء قصد به جان تزار مستبد روسیه اعدام گردید و این واقعه آتش کین انقلابی لنین علیه استبداد تزاری را شعله ورتر ساخت.

این کین انقلابی در کنار خصایص دیگر از او چنان انسانی ساخت که نام و زندگی بسا طبقه کارگر روسیه و جهان پیوند خورد. لنین حیاتی سرشار از مبارزه پیگیر در راه آرمانهای طبقه کارگر و پیروی سوسیالیسم و کمونیسم را پشت سر گذاشت. زیستن برای او معنایی جز مبارزه با موانع تکامل بشریت و مبارزه در راه عدالت اجتماعی نداشت.

وجود لنین همه سجایای طبقه کارگر را در بر می گرفت: نیروی پایان ناپذیر، اراده آهنین، دشمنی طبقاتی در برخورد با طبقات میرنده استثمارگر و پیگیری در میهن پرستی و انترناسیونالیسم، دانش و از خود گذشتگی انقلابی. شخصیت لنین با این خصوصیات برجسته با مبارزات طبقه کارگر گره خورده بود. لنین تجسم یک رهبر طراز نوین بود. اعتقاد عمیق به خرد جمعی در اطراف او فضایی را ایجاد می نمود که همه با هم احساس برابری داشتند. او سرشار از عشق به توده ها بود. بحث و جدل را کاتالی در جهت درک زندگی و انسانها می دید و بالاخره در یک کلام لنین آموزگار زندگی بود.

ولادیمیر ایلچ او لیانف (لنین) آموزگار کبیر پرو لاریای جهان، بنیانگذار حزب کمونیست اتحاد شوروی و اولین دولت سوسیالیستی جهان، سوسیالیسم علمی را که توسط مارکس و انگلس تدوین گردید از عرصه تئوری به عرصه عمل کشانید.

در عصری که سرمایه داری دوران رقابت آزاد را پشت سرمی گذاشت و وارد مرحله امپریالیستی می گردید، تکامل تئوری مارکسیستی و بررسی و پاسخگویی با وضع جدید و وظیفه عمده جنبش انقلابی بود. لنین عهده دار این رسالت تاریخی شد و بانوغ و تیز هوشی خود دمار کسبیم را درهمه شکون تکامل بخشید. او تو قسفف نعی شناخت و پیوسته این کلام انگلس را که "آموزش

ما دمگ نیست، رهنمون عمل است" یاد آوری شد. لنین با تحقیق در قوانین رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی سرمایه داری اثبات نمود که این نظام درگیر چنان تضادهای آشتی ناپذیری است که جهت درمان آنها انقلاب پرو لتسری اجتناب ناپذیر است.

مبارزه با پرو لتسزم و رونیونیسم - رسالت دیگر لنین بود. او با منشویکها و رهبران احزاب انترناسیونال دوم و در راس آنها کائوتسکی که حامل و مبلغ نظرات ضد مارکسیستی بودند به مبارزه برخاست. لنین برخلاف اینان که هژمونی پرو رزاری در انقلابات بورژوا - دمکراتیک را ضروری می دانستند تا با پرو لتاریزه شدن جامعه زمینه لازم جهت انقلاب سوسیالیستی آماده گردد، عقیده داشت که پرو لتاریا می تواند رهبر انقلابات دمکراتیک گردد.



طبقه کارگر را خلق نمود و آموزشی منسجم از نقش رهبری کننده حزب، اساس ایدئولوژیستیک و سیاسی آن، بنیاد تشکیلات، استراتژی و تاکتیک و سیاست آنرا ارائه نمود. او همیشه بر این نکته تاکید داشت که اگر طبقه کارگر وسیله حزب مارکسیستی طراز نوین که مجهز به تئوری انقلابی است، رهبری نشود، نخواهد توانست بعنوان سازنده جامعه نوین کمونیستی وظیفه تاریخی خویش را تحقق بخشد و بدین جهت پایه گذار حزب آهنینی گردید که درفش ظفر نمون طبقه کارگر را در روسیه تزاری به اهتزاز درآورد و کشور شوراهای را بنا نمود.

از دیگر تئوریهای که لنین به موشکافی آن پرداخت "امپریالیسم به مثابه آخرین مرحله سرمایه داری" بود. لنین بدین نتیجه رسید که سرمایه داری به آخرین مرحله تکامل خود یعنی

امپریالیسم وارد گردیده است. او ماهیست امپریالیسم بعنوان سرمایه داری انحصاری را افشا نمود و مشخصات آنرا که در تمرکز تولید و تمرکز سرمایه و ایجاد انحصارها، هم آمیخته شدن سرمایه مالی با سرمایه صنعتی، صدور سرمایه به جای صدور کالا، تقسیم جهان از نظر اقتصادی بین کارتلها، تراستها و کنسرسیومها و بالاخره تقسیم سرزمینهای جهان بین دول بزرگ و قدرت مند سرمایه داری تبیلور می یافت، توضیح داد.

لنین در کتاب "یک گام به پیش، دو گام به

بقیه در صفحه ۱۱

لنین سازماننده و رهبر بزرگ حزب کمونیست اتحاد شوروی و بنیانگذار کشور شوراهای درنوشته های خود آموزش مارکسیسم تحت شرایط تاریخی عصر امپریالیسم و انقلابات پرو لتری و همچنین گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم را تکامل بخشید. او در آثار جاودانه اش به تمامی سئوالات اساسی پرو لتاریای جهانی که از عصر تاریخی جدید سرچشمه می گرفتند، پاسخ داد.

لنین آموزش مارکسیستی هژمونی پرو لتاریا را در انقلاب دمکراتیک و موضع دیکتاتوری پرو لتاریا را تکامل بخشید. حزب طراز نوین

در حاشیه



نمایندگان حادثی

انتخابات فرمایشی پایان یافت، کاندیداهایی که حکم نمایندگی خود را شافها گرفته بودند، منتظر ابلاغ رسمی هستند. برخی دیگر امیدهایی دارند و بقیه که جزء سیاهی لشکری بودند به سرکار کاسبی خود بازگشته اند. آقای جنتی امام جمعه موقت قم و ظایفی راکه ج ۱۰ از مجلس و نمایندگان آن انتظار دارند، چند روز قبل از انتخابات چنین بیان کرد: "مجلس اگر بخواند مجلس باشد و آن مسئولیتی راکه مردم از آن می خواهند و طلب می کنند، این است که مشکلات جامعه راد رک و برطرف کند و بفهمد این مردمی که در این مملکت زندگی می کنند دردشان چیست و برای آن درمان پیدا کند." (کیهان ۱۸ فروردین)

البته وی به مصداق "تشخیص نیمی از درمان است" دردها را می شناسد و چنین بیان می کند: "یک قسمت عمده اش مشکلات اقتصادی است." (همانجا) و صد البته درمان راهم همینطور، "باید ۵۰۰ سرمایه ها بحریان بیفتد و مردم (؟) در بخش اقتصادی زنده و فعال باشند" و اگر "یک نماینده در این مورد طرح داشته باشد" (همانجا) حتما نماینده حادثی است که دردهای "مردم" را بخوبی درمان می کند.

مزایای جمهوری اسلامی برای دشمنان دیروزی خود!

رفسنجانی رئیس مجلس در قم گفت: " (دشمنان جمهوری اسلامی) مجبور به اعتراف و پذیرفتن واقعیت می شوند و خودشان را برای دنیای جدیدی آماده می کنند چرا که پیام پیامبر اکرم و قرآن مجید که برای بشریت آورده شده جای خود را پیدا کرده است و کسانی که تا مدتی قبل آماده شرکت در تشییع جنازه جمهوری اسلامی بودند امروز خودشان را برای اینکه در حرکت جموری اسلامی به یک نحوی از مزایای این حرکت و این انقلاب بهره مند سازند آماده می کنند و در رابطه با جنگ و مال اقتصاد و سیاست جهانی نیز چنین است." (صبح آزادگان ۱۴ فروردین)

البته باید گفت امپریالیستها که تا دیروز دشمن جمهوری اسلامی محسوب می شدند و برای شرکت در تشییع جنازه جمهوری اسلامی آماده بودند (و امروز برای شرکت در تشییع جنازه انقلاب آماده اند) تنها از "پیام جمهوری"

اسلامی (که پیام آمادگی برای احیای اسارت و بندگی است) سود نمی جویند، بلکه از "مزایا" بی نظیر نفت ارزان و ارز فراوان و فروش اسلحه گران نیز، که همه از "برکات" جمهوری اسلامی است، بهره می برند!

پرواز گرم!

ضیاء الحق دیکتاتور "جمهوری اسلامی پاکستان" هفته گذشته هنگام پرواز پرفر از آسمان ایران رئیس "جمهوری اسلامی ایران" را فراموش ننمود و با "نهایت سرت گزشتی" درودها و آرزوهای خود "رابرای" برادر "خامنه ای فرستاد. آقای خامنه ای نیز با کمال مسرت سریعاً قبل از خارج شدن "برادر ضیاء الحق" از حوزه هوایی ایران پاسخی فرستاد و از جمله چنین گفت: "یکبار دیگر با اتمام فرصت برای ملت (۱) مسلمان و برادر پاکستان موفقیست و برای جنبه عالی سلامت آرزوی کنم." (حتماً برای سرکوب ملت پاکستان)

رابطه بخاری نفتی و گناه بزرگ!

قید و بندهایی که ج ۱۰ برای مردم فراهم نموده است از شمار خارج است. اکنون رهبران جمهوری اسلامی که از حل مسایل اجتماعی، اقتصادی عاجز و درمانده هستند، با سوء استفاده از اعتقادات مذهبی مردم و امر و نهی رساله ای حتی در مورد مسایل بسیار کوچک و جزئی سیاستهای خود را پیش می برند. گاهی این احکام به شکل مضحکی درمی آیند: "اگر کسانی و سایل گرمکن منزلشان خراب باشد و در جهت تعمیران اقدام نکنند این گناهی بزرگ (۱) است و یکی از مسایل مخرب

برای جامعه محسوب می شود." (مهدوی کنی نماز جمعه، کیهان ۱۸ فروردین)

خرابی مثلاً بخاری نفتی رایگی از مسایل مخرب جامعه شمردن و عدم تعمیر آنرا گناهی بزرگ قلمداد کردن (ظاهر برای حل مشکل آلودگی هوا) نمونه مضحکی از پایان یابی اقتدار سیاسی برای رهبران ج ۱۰ و تکیه بیشتر آنان به اهرم مذهبی برای رودرویی با مردم است.

خوش حسابی جمهوری اسلامی در برابر غارتگران بین المللی

صندوق بین المللی پول اعلام کرد: "ایران در سالهای آخر رژیم پادشاهی یکی از بدحکمرترین کشورهای جهان بوده است." براساس گزارش ارگان صندوق بین المللی پول "بدهی ایران در سال ۱۹۷۸ به ۱۰/۹۱ میلیارد دلار رسیده بود." بانک مرکزی ج ۱۰ اعلام کرده است: دولت ایران این بدهی را به "کمتر از یک میلیارد دلار" رسانیده است و روزنامه صبح آزادگان این خبر را با مسرت تمام اعلام می کند. بخوبی روشن است که چنانچه جمهوری اسلامی باتوجه به کسری و بدهی و بحران اقتصادی که گریبانگیرش می باشد، چنین خوش حسابی نشان می دهد و بدهی خود (در حقیقت بدهیهای رژیم خائن شاه) را به صندوق غارتگر بین المللی پول می پردازد. برخلاف نظرسر روزنامه صبح آزادگان این نشان "شکوفایی اقتصاد" جمهوری اسلامی نیست بلکه چراغهای سبزی است که ج ۱۰ به بهای به خاک سیاه نشاندن ایران - برای امپریالیستها روشن کرده و از آنان استعالت و دلجویی می کند.

دم خروس یا قسم حضرت عباس؟

"عبد المالك ختک آنگاه به تماسهای د. و جانبه درد و سال اخیر اشاره کرد و این تماسها را نشانه ای از وجود روح تفاهم بین دو کشور دانست و در مورد پیمان منطقه ای، گفت: از سال گذشته سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه موافقت کرده اند که یک کمیسیون سه جانبه دائم در سطح و زراء داشته باشند. البته مقدمه این کار به این شکل بوده است که جمهوری اسلامی احساس کرده که لازم است با کشورهای مسلمان و همسایه خود روابط گسترده تری داشته باشد. مانیز عقیده داریم این پیمان به نفع مردم سه کشور راست و پیشرفت خواهد کرد."

عبد المالك ختک سفیر پاکستان در جمهوری اسلامی در گفتگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران - کیهان همان شماره

"ولی از آنجایی که نصرت خداوند همواره شامل حال مومنین و مسلمانان است پیروزی غیرمترقبه انقلاب اسلامی در ایران علیرغم تو طئه های دقیق و حساب شده استکبار جهانی ضربه قاطعی بر منافع آمریکا و سایل استعمارگران بود. ۵۰۰۰ از جمله این ضریات خروج ایران از پیمان تحمیلی سنتو در سال ۵۸ بود که به مفهوم فرارسیدن لحظه مرگ این پیمان ۲۵ ساله است پس از این ضربه پیمان ننگین سنتو دیگر نتوانست موجودیت خود را حفظ نماید و برای همیشه به زباله دان تاریخ پیوست."

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران
کیهان ۵ فروردین ۱۳۶۳

حسادت آمریکا و عقل زاین!

بقیه از صفحه ۵

اقامت وقت امام در تبعید در نوفل لوشاتو، پس از پیروزی انقلاب اسلامی از تجارت با ایران به سود سرشاری دست یافته و توانسته از این تجارت منافع سرشاری نصیب خود کند. (نتیجه: معیار جمهوری اسلامی در تجارت نه منافع مردم ایران و ماهیت کشور طرف معامله، بلکه اقامت این یا آن فرد در آن کشور است.)

"آمریکا با اعزام رجوی، بنی صدر دیگر ۰۰۰ به فرانسه، ماهیت امپریالیستی حکام فرانسه را افشا و فرانسه را از منافع سرشار صدور کالا به ایران اسلامی محروم کرد (۱۱)!"

آمریکا همچنین در مورد انگلیس نیز حسادت کرد و انگلیس را که از تجارت با ایران رونق به اقتصاد و رشکسته‌اش داده بود با برانگیختن و تحریک برعلیه جمهوری اسلامی، این رونق محروم کرد و علاقه به کالای انگلیسی را در ایران به حداقل تقلیل داد.

در مورد آلمان هم مردم ایران نظرسر مساعی داشتند زیرا که مردم ایران می‌دانند آلمانها هنوز تحت اشغال چکمه پوشان آمریکایی هستند و به همین خاطر، تجارت با آلمان رونق مطلوبی داشت (نتیجه: تجارت چ ۱۰ با کشورهای رونق دارد که تحت اشغال چکمه پوشان آمریکایی باشند.) آمریکا سیاستمداران آلمان را واداشت تا نسبت به معامله با ایران بی‌توجهی کرده و مانع از خرید کالاهای ایران توسط آلمان شوند. حال آلمان و انگلیس و فرانسه در این میان بی‌نصیب می‌مانند اما ژاپن که عاقلانه رفتار کرده ۰۰۰ سود سرشاری نصیب خود خواهد کرد. (صبح آزادگان ۱۴ فروردین) آقای "و السلام ک.ک.گ" در بررسی حسادت آمریکا به فرانسه، آلمان و انگلستان ناخو استه سیر گسترش روابط اقتصادی و تجاری و سیاسی ایران با امپریالیسم را بیان کرده است که می‌توان خلاصه آنرا به شکل زیر بیان کرد.

"بعد از انقلاب روابط اقتصادی و تجاری چ ۱۰۱۰ با فرانسه تقویت پیدا می‌کند و فرانسه به سود سرشاری دست یافته و توانسته از این تجارت منافع سرشاری نصیب خود کند "سپس "تجارت با آلمان فدرال رونق مطلوبی می‌یابد آنگاه انگلیس "از تجارت با ایران رونق به اقتصاد و رشکسته‌اش داد" و البته ژاپن - عاقل همیشه سود سرشاری داشته است - در همین دوران و ادات کالاهای آمریکایی با مارک غیر آمریکایی و یا از طریق کشورهای دیگر (بویژه ترکیه و پاکستان) به قیمت گرانتر و شرایط دشوارتر ادامه پیدا می‌کند و اکنون چ ۱۰ "پشیمان از حماقتی که مرتکب شده" و "حسادت "آمریکا را" تحریک "کرده، مایل است هر پیشنهادی را که آمریکا در مورد فروش کالا به ایران داشته باشد، بپذیرد."

رهبران جمهوری اسلامی

در تدارك ماجراجویی جدید نظامی

بقیه از صفحه اول

جلسه این شورا که در ۱۴ فروردین برگزار شد، گفت‌وگوهای مجنون عراق در دست نیروهای ایران است و وی افزود: "امکان‌تعمان در همان حدی است که نیاز داریم، این نیروهای جدید هم که وارد جبهه می‌شوند طبعاً در بخشهای سازماندهی شده خودشان مستقر می‌شوند و برنامه‌هایی است که انجام خواهند داد." (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۵ فروردین)

افرادی که قبلاً یک یا چند بار در جبهه‌های جنگ بوده‌اند دوباره دسته - دسته به جبهه‌ها اعزام می‌شوند.

"بیش از ۳ هزار تن از لشکریان طرح لبیک یا خمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقه ۱۰ شامل تهران، کرج، ورامین، فیروزکوه و دماوند بعد از ظهر امروز طی مراسم باشکوه‌ای از پادگان امام حسن عسکرم جبهه‌های نور علیه ظلمت شدند. طرح لبیک یا خمینی از مجموعه نیروهای مجرب و کارآموده‌ای که دوره‌های عملیاتی را گذرانده و از تجارب چندین بار شرکت در عملیات رزمی برخوردارند تشکیل شده است که داوطلبانه خواهان شرکت در جبهه‌های نور علیه ظلمت هستند. بنابراین گزارش روز گذشته نیز حدود ۱۰۰۰ تن از نیروهای فتح ۲ از پادگان امام حسین عسکرم جبهه‌ها شدند." (صدای جمهوری اسلامی، ۲۱ فروردین)

ابعاد تمرکز نیرو در جبهه‌های جنگ بی‌سابقه است. تجربه عملیات اخیر نشان داد که رهبران جمهوری اسلامی به هیچ وجه از بکار بستن تاکتیک "انسان در مقابل سلاح"، یعنی به روی میدانهای مین و جلوی رگبار مسلسل فرستادن "موجهای انسانی" ابایی ندارند. در عملیات آتی نیز ظاهراً چنین فجایی کاملاً پیش‌بینی شده است. رفسنجانی رئیس مجلس و نماینده آیت‌الله خمینی در شورای عالی دفاع در مصاحبه با شبکه تلویزیونی "ای.بی.سی" گفته است:

"اینکه نیروهای ما اخیراً در سراسر جبهه بطوری سابقه‌ای متمرکز شده‌اند این صحیح است، این کار را ما کرده‌ایم. ۰۰۰ بهر حال اکنون ما نیروی کافی در مرز داریم. ۰۰۰ ما این نیروها را در سراسر جبهه‌ها داریم. ما از کردستان، حاج عمران، در نقطه شمالی جبهه تافاو و همه

جا نیرو به اندازه کافی داریم و متناسب با اهدافی که در سراسر جبهه داریم نیرو منبیا کرده ایم." (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۹ فروردین)

کار بجایی رسیده است که در ایران برای "متولدین ذکور ۱۳۴۸" (یعنی ۱۵ ساله‌ها) هم نقشه گسیل شدن به جبهه‌های جنگ و یا به عبارت بهتر سوختن در کوره جنگ رانگشیده‌اند. (اعلامیه اداره گذرنامه دایر بر محدودیت خروج از کشور برای متولدین سال ۱۳۴۸ مندرج در روزنامه جمهوری اسلامی ۱۹ فروردین)

از سوی دیگر، تدارکات نظامی از جانب عراق نیز ادامه دارد. رژیم صدام با تکیه بر احساسات ناسیونالیستی و سوءاستفاده از نقشه‌های مداخله گرانه حکام جمهوری اسلامی خود را برای انجام یک کشتار دیگر از جوانان و جوانان گسیل شده به سرزمینهای غریب آماده می‌سازد.

حکومت ایران به فراخوانهای متعدد مجامع بین‌المللی برای قطع جنگ پاسخ منفی داده و از پدیرش راه حل مسالمت‌آمیز سرباز می‌زند. از جمله، فراخوان اخیر شورای امنیت در محکومیت استفاده از سلاح شیمیایی و نیز قطع جنگ را می‌توان نام برد.

در چنین شرایطی، فراخوان اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) مورخ ۲۷ اسفند ماه ۱۳۶۲ به میهن پرستان ایران اهمیت روز افزون پیدا می‌کند:

"کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)، قطع جنگ و برقراری صلح را هدف مقدم و مشترک همه میهن پرستان ایران می‌داند. برای رسیدن به این هدف، برای پایان دادن به کشتار مردم و ویرانسی کشورمان راه همکاری و هماهنگی را برگزینیم."

"پایان دادن به جنگ و دستیابی به صلح نیازمند مبارزه گسترده و هماهنگ ماست. مردم ایران جبهه‌هایی را که حکومت به هوای رسیدن به هدفهای مداخله گرانه خود دگشوده است و مدام آنها را ران سوی مرزهای کشور ما گسترش می‌دهد، پشتیبانی و تقویت نمی‌کنند، مردم از اعزام جوانان خویش به این جبهه‌ها خودداری می‌کنند. عزیزان خود را نمی‌فرستند تا در سرزمینهای دیگران بجنگند و کشته شوند. مردم میهن ما صدای مخالفت و اعتراض خود را بلند و بلند تری می‌کنند."

نیروهای آزادیبخش السالوادور به پیش می روند

السالوادور در آمریکا، هند و راس و منطقه کانال پاناما تعلیم نظامی می بینند. چندین پیش آمریکا یک مرکز تعلیم نظامی جدید در هند و راس تاسیس کرد، که مشاوران نظامی آن به تعلیم سربازان و افسران ارتش السالوادور مشغولند. تعداد مشاوران نظامی آمریکادر السالوادور از ۵۵ به ۹۷ نفر رسیده است.

مقاومت نیروهای آزادیبخش السالوادور

کک نظامی و اقتصادی آمریکا نتایج دلخواه وی را ببار نیاورد. مبارزه نیروهای انقلابی السالوادور از درگیریهای محلی کوچک به میدان نبردهای وسیع فرار و در اکثر نقاط کشور مبارزه رهایی بخش در جریان

میهن پرستان السالوادور که تحت رهبری جبهه آزادیبخش فارابوند و مارتی و جبهه دمکراتیک انقلابی، در راه استقلال و آزادی کشور خود مبارزه می کنند، از دسامبر سال ۱۹۸۲ در حال پیشروی هستند. آنها موفق شده اند توازن قوای نظامی - استراتژیک را به نفع خود درهم شکنند و بخش های قابل ملاحظه ای از خاک این کشور را به تصرف درآورند. این پیشروی، امپریالیسم آمریکا و رژیم ارتجاعی السالوادور را به هراس انداخته است. امپریالیسم آمریکا با تمام قوا سعی در حفظ رژیم دیکتاتوری این کشور دارد. کیسیون آمریکای مرکزی کسبه جهت قلع و قمع جنبشهای آزادیبخش این منطقه تشکیل شده است، یکی از رسالت های خود را سرکوب نیروهای انقلابی السالوادور می داند.



است. تحت این شرایط دولت السالوادور به مبارزان این کشور پیشنهاد آتش بس موقت را کرده است. آتش بس موقت ترفندی بی ش نیست تا بدین وسیله بنیه ارتش را تقویت کنند و توازن قوا را به نفع خود درگروان سازند. امپریالیسم آمریکا مخالف حل مسالمة السالوادور از راه مسالمت آمیز آن است. نیروهای مبارز السالوادور همواره خواهان گفتگو و مذاکره با نمایندگان دولت آمریکا بوده اند. اما نمایندگان ریکان این مذاکرات را به اتمام نرسانند. یا آنرا قطع کردند. هدف از این مذاکرات نمایندگان جبهه های آزادیبخش کشور تشکیل دولت موقت متمرکز بر پایه وسیع

ککهای نظامی و اقتصادی آمریکا به السالوادور بطور روز افزونی افزایش می یابد. طی سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ دیکتاتورهای السالوادور یک میلیارد دلار کمک دریافت کرده اند. آمریکا در جریان سال مالی ۸۳/۸۴ ۶۴ میلیون دلار جهت مقاصد نظامی در اختیار رژیم السالوادور قرار داد. کنگره آمریکا قرارداد کمک مالی دیگری بالغ بر ۱۷۸ میلیون دلار را به تصویب رسانده است. در سال ۱۹۸۴ کمک مالی به ۱۲۰ میلیون دلار رسید و ۳۸ میلیون دلار برای "رشد و پیشرفت" (بخوان، ستم و سرکوب) و ۳۷/۵ میلیون دلار جهت واردات مواد غذایی در نظر گرفته شده است. هزاران سرباز و افسر

توده ای می دانند.

جبهه آزادیبخش فارابوند و مارتی و جبهه دمکراتیک انقلابی، برنامه دولت موقت را در تاریخ ۳۱ ژانویه ۱۹۸۴ تدوین کردند. این دولت باید نمایندگی جنبش کارگران و دهقانان، کارمندان، استادان و دانشجویان، نمایندگان احزاب مختلف و وابستگان ارتش (در ارتش ابتدا باید پاکسازی صورت گیرد) باشد.

برنامه دولت موقت

اهداف اساسی دولت موقت کسه در برنامه ۲۰ ماده ای قید گردیده است به قرار زیر است:

- ۱ - برقراری استقلال و حق حاکمیت ملی
- ۲ - نابودی دستگاه سرکوب و تضییق، احیای شالوده های دمکراسی و واقعی بارعایت حقوق انسانی و آزادیهای سیاسی و شرکت و وسیع خلق در امور کشور و برقراری قطعی صلح
- ۳ - اتخاذ تدابیر اقتصادی - اجتماعی جهت درگرونی ساختار جامعه با توجه به نیازهای مردم اکثریت مردم
- ۴ - احیای شرایط عملی برای پایان بخشیدن به وضعیت جنگی کنونی

۵ - تدارک و اجرای انتخابات عمومی

در زمینه اقتصادی، اجرای اصلاحات ارضی، دمکراتیک، ملی کردن بانکها و منابع مالی و تجارت خارجی مد نظر گرفته شده است. امپریالیسم آمریکا هرگز نه مذاکره درباره این موارد را رد کرده است و همچنان به جنگ افروزی در این کشور ادامه می دهد. اخیراً انتخابات نمایی السالوادور که نیروهای انقلابی و دمکراتیک آن را تحریم کرده بودند، برگزار شد. شرایط برگزاری این انتخابات بغدیری از یک انتخابات دمکراتیک واقعی دور بود که حتی خود برگزارکنندگان آن نیز مجبور به اعتراف به عدم موفقیت انتخابات شدند. انتخابات همه جا با مقاومت مردم و نیروهای انقلابی روبرو گردید.

ج. او نگو یکی از سخنگویان انقلابیون السالوادور اعلام کرد: در رابطه با دورنمای حل و فصل درگیریهای السالوادور باید گفت تا زمانی که دستگاه حاکمه ریکان سیاست خود را نسبت به السالوادور تغییر ندهد، امکان پایان بخشیدن بحران السالوادور از راه مذاکرات وجود ندارد. از این جهت قیام کنندگان، مبارزه مسلحانه خود را علیه رژیم ارتجاعی چه قبل، و چه بعد از انتخابات ادامه خواهند داد.

بمناسبت دهمین سالگرد انقلاب پرتغال نگاهی به انقلاب پرتغال

عمل شد.

اقدام به کودتای نافرجام ضد انقلابی توسط ژنرال اسپنولا که خود از ماه مه تا سپتامبر ۷۴ رئیس‌جمهور این کشور بود و پس از آن به خارج گریخت، نمونه بارزی از تلاش ضد انقلاب جهانی برای شکست انقلاب پرتغال بود. بدنبال این توطئه‌های ضد انقلابی از ۲۵ نوامبر ۷۵ چرخش به راست در سیاست پرتغال آغاز گشت و بازگشت و نابودی دستاورد های انقلاب در دستور کار قرار گرفت.

رهبری حزب سوسیالیست این کشور در تمام این روند گردش به راست متحد ارتجاع پرتغال بود. این حزب در سال ۱۹۷۶ برمسند قدرت نشست. از طرف دیگر نیروهای چپ رو که ماجراجوئیهای آنان به اپورتو نیمس راست در رسیدن به مقاصد شوم آن یاری می‌رساند، آب به آسیاب ارتجاع می‌ریختند.

حزب کمونیست پرتغال که درد و ران فاشیسم سنگر مقاومت و نمونه برجسته ایشسار و فداکاری بود پس از انقلاب با تمام قوا به دفاع جانانه از دستاوردهای او ریل پرداخت. نگاهی کوتاه به شرایط فعلی پرتغال بروشنی مبارزه سخت و آشتی ناپذیر دواردی ترقی و ارتجاع را نمایان می‌سازد. رهبران حزب سوسیالیست که در برنامه انتخاباتی خویش مبارزه با ارتجاع و سیاست ارتجاعی حکومت گذشته را اعلام داشتند، در سال گذشته پس از موفقیت نسبی خود در تمام قوای خویش را فراموش و برای یافتن اکثریت در پارلمان دست به ائتلاف با سوسیال دمکراتها زدند.

دولت ائتلافی دو حزب سوسیالیست و سوسیال دمکرات نیز چون ارتجاع موفقه گذشته، سیاست احیای قدرت اقتصادی و سیاسی انحصارات امپریالیستی و بازگرداندن بخشهای ملی شده اقتصاد و اراضی تقسیم شده به سرمایه داران و ملاکین را در پیش گرفت و حتی در مواردی این سیاست را تشدید کرد. همواره کردن راه برای دستیابی مجدد سرمایه بزرگ به بخشهای کلیدی ملی شده از قبیل بانکها، شرکتها، بیمه، صنایع سیمان و تولیدات کسود شیمیایی، با آنکه مالکیت خصوصی در این بخشها در قانون اساسی ممنوع اعلام گردیده است، از مقاصد حکومت است. فشار به مردم زحمتکشان تا آنجا پیش رفته است که حکومت در صدد دور مجوز برای سرمایه داران است تا بتوانند کارگران را اخراج کرده، سطح دستمزدها را پائین آورده و حتی برای کاهش آن از ساعات کار بکاهند.

محافل حاکم با طرحر بحران عمیق اقتصادی

ده سال پیش در روز ۲۵ آوریل ۱۹۷۴ با به حرکت درآمدن بخشی از واحدهای ارتش پرتغال بساط پیک دیگر از منفرترین رژیمهای فاشیستی برچیده شد.

در سال ۱۹۳۲، با بقدرت رسیدن سالارزار و چهار سال پس از کودتای نظامی بر علیه نظام جمهوری، دوران فاشیسم در پرتغال آغاز گشت.

در سال ۱۹۶۸ کائانو نخست وزیر پرتغال شد و راه همفرخود سالارزار را ادامه داد. در این دوران کوشش جهت ایجاد شکاف در اپوزیسیون و بطور عمده محروم ساختن آن از یگانه نیروی متشکل خود یعنی حزب کمونیست پرتغال با حدت و شدت تمام دنبال گشت. هدف عمده فاشیسم حاکم در این دوران ایجاد آرامش از طریق ترور و بیدادگری بود، مردم محروم پرتغال ظلم و ستم روا شده بر آنان را با گشت و پوست خود لمس می‌کردند.

برسستر این شرایط مبارزه مردم علیه رژیم بیش از پیش گسترش یافت. بسط مبارزات حقوق طلبانه مردم با مساله مستعمرات ارتباط تنگاتنگ داشت. درد و رانی که انقلاب با ترهائی بخش ملی لرزه برانداخت و دولتهای نیرومند استعمارگر انداخته بود و جز عقب نشینی و تن دادن به استقلال مستعمرات خویش راهی نداشتند، رژیم فاشیستی پرتغال و اقمیت سترگ دوران ما را که استعمار محکوم به فناست، درک نمی‌کرد و چنگ و دندان در صدد حفظ مستعمرات خود بود. درگیر شدن با جنبشهای استقلال طلبانه در موزامبیک، آنگولا و کینه بیسائو، بسیج ارتش جهت سرکوب این جنبشها و بلیعه شده شدن قسمت عمده بودجه کشور در این راه، سرکشی و طغیان رادار ارتش دامن زد.

بدنبال قیام ۲۵ آوریل، ژنرال اسپنولا رئیس‌جمهور شد و دولت موقت برپاستاداپالها کارلوش تشکیل گردید. در این دولت کمونیستها، سوسیالیستها، جنبش دمکراتیک و کاتولیکهای مرفی شرکت داشتند.

انقلاب پرتغال هم چون سایر انقلابات معاصر دستاوردهای عظیمی به همراه داشت. انحلال سازمان امنیت، احیای دمکراسی، آزادی زندانیان سیاسی، تصفیه ارتش از عناصر فاسد، ایجاد تعاونیهای دهقانی و ملی کردن بخشی از بانکها و صنایع بزرگ نمونه هایی از آنند. انقلاب پرتغال نیز از اقدامات توطئه گرانسه امپریالیسم آمریکا در امان نماند و امپریالیسم جهانی کار آمریکا از طریق سیا و عامل آن سفیر آمریکا در آن کشور و سایر نوکران داخلش وار د

و مالی موجود در پرتغال سعی در توجیه و ابستگی روز افزون به امپریالیسم و صندوق بین‌المللی پول و نیز دیگر اقدامات معمول در جهت منافع کلان سرمایه داران را دارند و از این بحران بعنوان يك عامل تبلیغاتی استفاده می‌کنند. این سیاست ارتجاعی خطری جدی برای دمکراسی در پرتغال است. برای ذکر نمونه کافی است به گزینش مونتاپینتو به سمت وزیر دفاع نام برد که همه از همکاری او با محافل فاشیستی مطلعند.

باتوجه به همه این مسایل نتیجه انتخابات سال گذشته که در آن حزب کمونیست پرتغال به پیروزی درخشانی دست یافت و وقایع پس از آن نشان داد که کشور پرتغال به هیچ وجه محکوم به پذیرش اراده دولتهای ارتجاعی و راستگرا نیست. حزب کمونیست پرتغال بر آن است که زمینه تشکیل يك حکومت دمکراتیک و پیشبرد يك سیاست دمکراتیک بیش از پیش موجود است و بدین جهت تشدید مبارزه علیه حکومت راستگرای فعلی امری ضروری است که وظیفه همه نیروهای ترقیخواه را تشکیل می‌دهد. حزب کمونیست پرتغال در صفوف مقدم این مبارزه است.

آموزشهای سترگ لنین چراغ راهنمای بشریت

بقیه از صفحه ۷

پس، اپورتو نیمس در مسایل تشکیلاتی رازیر تیغ برنده انتقاد برد. او خطرات ناشی از کم بها دادن به اهمیت تشکیلات برای طبقه کارگر را خاطر نشان ساخت.

در کتاب "چه باید کرد؟" لنین "اکنون میس" بعنوان يك جریان اپورتو نیستی در سوسیال دمکراسی روسیه راز نظر ایدئولوژیک به ورشکستگی کشاند. او ثابت نمود که اکنون میسها مبلغ نوعی از برنشتینسم هستند که بعد از مارکس و انگلس باشعار آزادی انتقاد که معنایی جز وارد کردن ایدئولوژی بورژوازی به صفوف طبقه کارگر نداشت، به میدان آمدند. در این نوشته لنین مطابق با شرایط تاریخی ایده‌های مارکس و انگلس در رابطه با حزب بعنوان يك نیروی انقلابی و هدایت کننده و متشکل را بسط داد و رابطه آگاهی با حرکتها خود بخودی را در جنبش کارگری توضیح داد.

هرآنچه لنین به نگارش درآورد، چراغ راهنمای طبقه کارگر و زحمتکشان سراسر جهان شد. آموزشهای او در تلفیق با علم انقلابی رافلبه بر موانع پیشرفت و تکامل بشریت را نشان می‌دهد. مشعلی که لنین برافروخت، امروز در حیات شکوفا و بالنده سوسیالیزم و اقوام وجود، در نبرد سترگ کمونیستها و انقلابیون سراسر جهان در راه صلح، دمکراسی، ترقی اجتماعی، در مبارزه طبقه کارگر جهان سرمایه داری برای نیل به سوسیالیزم، در پیکار خلقها برای رهایی از سلطه امپریالیسم و ستم نو استعماری، زنده است و هر روز فروزان تر می‌گردد.



رویدادهای جهان

رفیق چرنکو به عنوان صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی انتخاب شد

در روز چهارشنبه ۱۱ آوریل (۲۲ فروردین) اجلاس شورای عالی اتحاد شوروی در مسکو برگزار شد. شرکت کنندگان در این اجلاس، به اتفاق آراء، رفیق کنستانتین اوستینیوویچ چرنکو دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را به سمت صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برگزیدند.

همچنین در روز پنجشنبه ۱۲ آوریل (۲۳ فروردین) در ادامه اجلاس شورای عالی اتحاد شوروی، رفیق نیکولای تیخونوف مجدداً به مقام ریاست دولت، آندره گرومیکو به مقام وزارت امور خارجه و مارشال دی میتسری اوستینوف باردیگر به مقام وزارت دفاع کشور برگزیده شدند.

۱۱ هزار ضد انقلابی به نیکاراگوئه یورش آوردند

در دادگاه بین المللی لاهه رسیدگی به شکایت نیکاراگوئه علیه آمریکا در رابطه با مین گذاری بنا در این کشور توسط سازمان سیا ادامه دارد. در همین حال، در نیکاراگوئه نبردهای سختی میان نیروهای دولت انقلابی و ضد انقلابیون

تحت حمایت آمریکا، در گرفت. دانیل اورتنگا هماهنگ کننده شورای دولتی نیکاراگوئه اعلام کرد بیش از ۱۱ هزار مزدور در حملات کتونی غذا انقلاب شرکت دارند. حدود ۶ هزار تن از این ضد انقلابیون از مناطق مرزی هندوراس و کستاریکا به نیکاراگوئه نفوذ کرده اند.

بیش از ۱۱۰ هزار عضو اتحادیه سندیکایی ساند نیست نیکاراگوئه تصمیم گرفته اند تولید را افزایش دهند. در کارخانجات و تعاونی ها افراد زیادی داوطلب شرکت در نبرد علیه ضد انقلاب شده اند.

ضد انقلابیون افغانی مجهز به سلاح شیمیایی امریکایی

در نمایشگاهی که در کابل پایتخت افغانستان برگزار گردید، ادوات و تجهیزات نظامی به غنیمت گرفته شده از اشعار و ضد انقلابیون افغانی به نمایش گذاشته شد. از جمله سلاحهایی که در این نمایشگاه در معرض دید عموم قرار گرفت، بمبهای شیمیایی ساخت آمریکا بود. این سلاحها حاوی مواد سمی خطرناکی نظیر "توکسین" بودند. همچنین مقامات افغانستان اعلام کردند سازمان سیاهه یکی از عوامل افغانی خود "سیانور" داده بود تا آب آشامیدنی شهر کابل را مسموم کند.

صوفیه میعادگاه دانشجویان دمکرات جهان

کنگره اتحاد بین المللی دانشجویان روز پنجشنبه ۱۲ آوریل (۲۳ فروردین) در صوفیه پایتخت بلغارستان با شرکت نمایندگان قریب ۱۲۰ کشور جهان گشایش یافت. مهمترین بخش دستور کار این کنگره، مبارزه جوانان در راه

صلح و ترقی اجتماعی است. تئودور ژوکوف رهبر بلغارستان طی بیاناتی خطاب به شرکت کنندگان در کنگره گفت: "پیشرفت تمدن بدون صلحی پایدار غیر ممکن است." وی افزود جامعه کشورهای سوسیالیستی به نحوی پیگیرد راه تحکیم مبنای امنیت بین المللی و قطع مسابقه تسلیحاتی مجاهدت می ورزند. تئودور ژوکوف اظهار داشت، سیاست نظامی گرانه واشینگتن که موشکهای جدید هسته ای خود را در خاک اروپا مستقر و نقشه های جنگ فضایی را طرح ریزی می کند صلح جهانی را تهدید می نماید.

تظاهرات با شکوه کارگران فولاد علیه سیاستهای دولت فرانسه

کارگران معادن آهن و کارخانه های فولاد سازی منطقه لورن فرانسه با ۳۰۰ اتوبوس و ۱۲ قطار ویژه روز ۱۳ آوریل به پاریس رفتند تا اعتراض خود را علیه طرح فولاد "دولت فرانسه اعلام نمایند. کارگران کارخانه های منطقه پاریس نیز به این راهپیمایی پیوسته و آنرا به بزرگترین راهپیمایی مردمی در فرانسه ظرف سه سال گذشته، تبدیل کردند.

این راهپیمایی بوسیله ۶ سندیکای مهم فرانسه و در رأس آنها کنفدراسیون عمومی کار (ث.و.ت) سندیکای انقلابی که بزرگترین سندیکای کارگری فرانسه نیز هست، سازماندهی شده بود. این نخستین بار طی چند سال گذشته بود که این سندیکاها در یک راهپیمایی، مشترکاً و در سطح ملی شرکت می کردند.

روزنامه اومانیته روز ۱۴ آوریل نوشت: "این حرکت جمعی تنها راه مقابله با فشارهای روزافزون کارفرمایان و احزاب دست راستی و پیشروی بسوی دستیابی به اهداف سال ۱۹۸۱ (سال پیروزی احزاب چپ در انتخابات) می باشد."

با جمع آوری کمک مالی

فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی خود
یاری دهید!

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را

رفقای انگلستان
تأمین کردند

معادل بهای "اکثريت"

آلمان فدرال ۱ مارک	اتریش ۸ شلینگ
آمریکا ۵۰ سنت	سوئد ۳ کرون
انگلستان ۳۰ پنس	فرانسه ۳ فرانک
ایتالیا ۶۰۰ لیر	هندوستان ۴ روپیه

با نشریه "اکثريت" می توانید از طریق آدرس های زیر مکاتبه کنید.

آلمان فدرال
POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W.-GERMANY

انگلستان
P.O. BOX 101
LONDON N17 6YU
ENGLAND

ایالات متحده
P.O. BOX 66156
LOS ANGELES, CA 90066
USA

ایتالیا
C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

هندوستان
P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI-110003
INDIA

مرکب بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا